

فهرست نویسی: تنها یکبار

دکتر محسن جعفری مذهب*

چکیده

هر یک از دوره‌های مختلف فهرست‌نگاری، از فهرست نویسی سنتی تا فهرست‌نگاری نوین، دارای ویژگی‌هایی است. فهرست‌نویسی سنتی بر چهار هویت نامستقل نویسنده‌شناسی، کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی، و تجربه میدانی، تکیه داشت. در نخستین دوره فهرست‌نگاری در دنیای اسلام، به پدیدآورنده اصالت داده می‌شد. فهرست نویسان میانه اسلامی از حاجی خلیفه تا شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز سرگذشتنامه پدیدآورنده را بیشتر از توصیف کتاب و محتویات آن، مورد توجه قرار می‌دادند. در فهرست‌نگاری نوین، که برگرفته و تأثیرپذیر از شیوه غربی فهرست نویسی است، آگاهیها با نظم ویژه‌ای تنظیم نیافته و مهم‌ترین ضعف آن، عدم رعایت موازین علمی است. برای اینکه فهرست‌نگاری نوین، سودمند واقع گردند و طبق موازین علمی، تدوین و تألیف شوند، ثبت این اطلاعات در آنها ضروری و بایسته است: ۱. آگاهیهای راهنما. ۲. کتاب‌شناسی. ۳. انجامه‌شناسی. ۴. آگاهیهای نسخه‌شناسی. ۵. بیرون از متن. ۶. کتاب‌شناسی فهرست.

کلید واژه: فهرست نویسی سنتی، نسخه‌شناسی، کتاب‌شناسی، انجامه / ترقیمه، حاشیه.

*. عضو هیأت علمی کتابخانه ملی.

در آغاز تأکید می‌کنم که من فهرست نویسی یا کتابدار نیستم، و علت مراجعه من به فهرست‌های نسخه‌های خطی، فقط برای بهره برداری تاریخی، سند شناسانه و نسخه شناسانه از آنهاست، و نه برای گرفتن تجربه‌ای کتابدارانه و یا فهرست نگارانه. و البته با آن مباحث، بیگانه و ناآشنا هم نیستم. در اینجا به عنوان یک «کاربر» به خود حق می‌دهم که از فهرست نویسان بیرونی، خُرده بگیرم و پیشنهاد دهم.

در ادامه مقاله، اگر پیشنهادی نموده یا راه کاری ارائه کرده‌ام، تنها برای آن است که در آینده، کسانی چون من، که از مراجعه مستقیم به همه نسخه‌های خطی فهرست شده معذورند، بهتر بتوانند از فهرست‌ها بهره ببرند. زیرا می‌دانیم که هر نسخه‌ای تنها یکبار فهرست می‌شود و اگر در همان یکبار، تمام آگاهی‌های سودمند کتابدارانه و نسخه شناسانه از آن استخراج نشود، پژوهشگران آینده از آگاهی‌های استخراج نشده محروم خواهند ماند. البته توصیه‌های من، چندان هم از توان و وظایف تعریف شده فهرست نویسان ما دور نیست. داوری درباره علمی بودن مطالب را نیز به خوانندگان کارشناس می‌سپارم. در این نوشته می‌خواهم به دو پرسش زیر اشاره و تا حد امکان به آنها پاسخ دهم:

۱. فهرست نویسی نسخه خطی تا چه حد، حق یا وظیفه غوص در نسخه خطی را دارد؟

۲. اجزای فهرست نویسی نسخه خطی از نظر موضوع کدامند؟

در پاسخ به پرسش نخست که: «فهرست نویسی نسخه خطی تا چه حد حق یا وظیفه غوص در نسخه خطی را دارد؟» استاد احمد منزوی می‌نویسد:

روزی از این ناچیز پرسیده بودند: در فهرست نگاری امروز، گروهی اهل مکتب دقتند و معتقدند شناخت و معرفی یک کتاب ولو ماهها طول بکشد باید با نهایت دقت و حوصله و تفتیش منابع صورت بگیرد. گروهی نیز اهل مکتب سرعتند و می‌گویند: فعلاً باید یک فهرست اجمالی ولو نه چندان دقیق از نسخ خطی نشر شود. در شرایط امروز کدام مکتب کارآمدتر است؟ مکتب فهرست نویسی محققانه بطبیعی، یا آسان‌گیرانه سریع و زود ثمر، که فعلاً طرفداران رو به رشد هم دارد؟ در پاسخ آن پرسش عرض کرده‌ام من، نه از گروه محققان وسواسی و منزه طلب مکتب دقت هستم که ماهها و حتی سالها کتاب نادر را در میز کارم نگاه دارم و در حول و حوش آن، بی آنکه نشانه‌ای از رساله را در اختیار استادان و افکار عمومی اهل کتاب قرار

دهم، جویای اطلاعات دقیق کردم. و نه اهل مکتب فهرست نویسی به شیوه نامگو. من طرفدار فهرست نویسی به شیوه تفصیلی - تحقیقی هستم، ولی نه بطبیء و نه آسانگیرانه.^۱

با آنکه استاد منزوی در اصل اعتقاد دارد که: «بایستی کوشید کار معرفی نسخه‌ها را هرچه سریع‌تر پیش برد و آیندگان لغزشهای ما را اصلاح خواهند کرد»^۲ و در راه تهیه کتابنامه آثار فارسی سرعت از ضروریات است، اما شاید آن اعتراض را بتوان به کسانی دانست که «ماهها و حتی سالها کتاب نادر را در میز کار نگاه می‌دارند و در حول و حوش آن، بی‌آنکه نشانه‌ای از رساله را در اختیار استادان و افکار عمومی اهل کتاب قرار دهند، جویای اطلاعات دقیق می‌گردند».

شاید گفته شود که فهرست نگار آنقدر وقت ندارد که این همه آگاهیها را از نسخه خطی استخراج کند و کار برگه‌های موجود و نیز حجم فهرستهای منتشره موجود، امکان این کاوش‌های موشکافانه را به فهرست نگار نمی‌دهد. با آنکه این شبهه قابل تأمل است اما، همانطور که پیشتر نیز گفته شد، اگر بپذیریم که «هر نسخه خطی تنها یکبار امکان فهرست شدن را دارد»^۳، بهتر است این سختی کار را برای فهرست نویس بپسندیم و برای انبوه کاربران در طول زمان نپسندیم.

(۲)

تا آنجا که می‌دانم، فهرست نویسی سنتی یک موضوع بیشتر نمی‌شناخت: کتابشناسی. درست است که زندگی‌نامه نویسنده و گاه مترجم و شارح نیز در آن می‌آمد اما ظاهراً هویت مستقل از کتابشناسی برای آن در نظر گرفته نمی‌شد. گاه نیز فهرست نویس، تجربه میدانی خود را می‌آورد و مثلاً ذکر می‌کرد که نسخه‌ای را در نزد فلان یا در کتابخانه فلان دیده است، گاه قطع یا رنگ یا جنس نسخه را هم مورد اشاره قرار می‌داد. در صورتی که از نظر شکلی این استقلال را به رسمیت بشناسیم، فهرست نویسی سنتی بر چهار هویت نامستقل نویسنده‌شناسی، کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی، و تجربه میدانی تکیه داشت، هرچند به هویت مستقل چهارگانه آن اشاره نمی‌کرد.

فهرست نویسان نخستین در دنیای اسلام، اصالت را به نویسنده، شارح، مترجم، و به قول کتابداران امروزی «پدیدآورنده» می‌دادند و آثار پدید آورنده را پس از سرگذشتنامه او می‌آوردند. نگاهی به آثار ابن ندیم، شیخ طوسی، منتجب الدین، ابن طاووس و دیگران ما را به این نتیجه می‌رساند.

فهرست نویسان میانه اسلامی از حاجی خلیفه تا شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز با آنکه مدخلها را بر اساس نام کتاب ردیف می‌کردند، اما حجم سرگذشتنامه پدیدآورنده هنوز بیش از توصیف کتاب و محتویات آن بود و ظاهراً تنها نام کتاب مدخل قرار می‌گرفت و هنوز اصالت با پدیدآورنده بود.

فهرست نویسی نوین، بی‌تردید برگرفته و متأثر از غرب است. پژوهشگرانی که در کتابخانه‌های اروپا به پژوهش مشغول بودند به روشهای فهرست نویسی آنان روی آورده و از آنجا که نخستین فهرست نویسان ما تحصیلات آکادمیک کتابداری، یا فهرست نویسی نسخه‌های خطی نداشتند و اگر تحصیلات جدید داشتند در دیگر عرصه‌های علوم انسانی بود و این افراد در کتابخانه‌های تازه تأسیس ما که پس از مشروطیت تأسیس شدند به کار گمارده می‌شدند، تنها با تقلید از روشهای اروپاییان می‌توانستند به فهرست نویسی بپردازند. مهدی بیانی فهرست را به سه بخش: موضوع (تقسیم‌بندی مطالب کتاب)، توصیف (برای نسخه‌شناسی)، و تعریف (برای کتابشناسی) تقسیم کرده است. ایرج افشار دو موضوع اصلی را کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی می‌داند، اما هویت مستقل انجامه را به طور غیر صریح می‌پذیرد. به جرأت بگوییم که در بیشتر فهرستهای نیم سده اخیر، مرز روشنی در این باره وجود ندارد و آگاهیهای فهرست، با نظم خاصی چیده نشده و نیازی هم به نشان دادن نمونه نیست. از مهمترین ضعفهای فهرست نویسی که انگیزه نگارش این مقاله است، علمی نبودن آن است. فهرستهای موجود علمی نیست زیرا:

۱. ورود به فهرست نویسی یک نسخه منطقی نیست. بافت آگاهیهای ارائه شده نیز منطقی نیست. مانند هر شیئی، پیش از ثبت ظاهر کتاب (نسخه‌شناسی) وارد باطن آن (کتاب‌شناسی) می‌شوند.^۲

۲. در توصیف، تعریف و موضوع دادن به کتاب روشهای علمی رعایت نمی‌شود. قواعد شناخته شده رده‌بندی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۳. در ذکر کمیتها و نیز کیفیت داده‌ها، از اصطلاحات و واحدهای استاندارد و علمی بهره گرفته نمی‌شود. فرضاً برای ذکر اندازه کتاب هنوز از اصطلاحات سنتی همچون جیبی، رقعی، وزیری، رحلی، سلطانی، خشتی، ... استفاده می‌شود که در بعضی از این اصطلاحات تا ۲۰ درصد جای تغییر دارد و هنوز بعضی از فهرست‌نویسان استفاده از خط کش و دادن میلی‌متر را در زمره غریب‌دگی برشمرده و استفاده از اصطلاحات سنتی

را حفظ فرهنگ اسلامی می‌دانند. در ذکر کیفیتها چون رنگها نیز، هنوز استفاده از طیف رنگ و دادن شماره دین (Din) را کفر می‌شمارند. هنوز بیشتر نسخه‌ها نخودی رنگند که خود طیفی از اواخر رنگ شیری تا قهوه‌ای را در برمی‌گیرد. معلوم نیست چرا خواننده فهرست ما باید بفهمد که اناری، گل‌بهی، حنایی، عنابی، ارغوانی، پوست پیازی، سرخابی و غیره چه رنگی هستند. هنوز فهرست نویس ما گمان می‌برد خوانندگان فهرست او، هم ولایتی‌های اویند که این اصطلاحات را می‌فهمند. اصلاً چه نیازی است بیگانه‌ای که آن محصولات را ندیده و نام آن رنگها را نشنیده، چنین فهرستی را بخواند و بفهمد.

سودمندترین روش فهرست نویسی، ثبت آگاهیهای شش گانه زیر است:

۱. آگاهیهای راهنما
 ۲. آگاهیهای نسخه‌شناسی
 ۳. آگاهیهای انجامه شناسی
 ۴. آگاهیهای کتاب شناسی
 ۵. بیرون از متن (Ex Libris)
 ۶. کتاب‌شناسی فهرست
- اما به دلیلی که پایین تر شرح داده خواهد شد، بخشهای ۲ و ۴ را جابجا کرده و ترکیب زیر را پیشنهاد دارم:
۱. آگاهیهای راهنما
 ۲. کتاب شناسی
 ۳. انجامه شناسی
 ۴. آگاهیهای نسخه‌شناسی
 ۵. بیرون از متن (Ex Libris)
 ۶. کتاب‌شناسی فهرست
- عناصر معرفی شده در بخشهای ششگانه زیر، سلیقه‌ای است و هیچ اصراری در تعداد آنها ندارم، اما در ترتیب ثبت آنها و نیز ضرورت بخشهای ششگانه اصرار و تأکید دارم.

۱. آگاهیهای راهنما

آگاهیهایی که ما را به نسخه رهنمون می‌شود: در واقع این آگاهیها به ما می‌گویند که نسخه چگونه به ما رسیده و اکنون در کجا موجود و چگونه قابل دسترسی است. آشکار است که فروشنده از تکمیل آگاهیهای این بخش خودداری کرده و کتابخانه‌ها و موزه‌ها از ثبت بسیاری از این آگاهیها خودداری می‌کنند و شاید از ضرورت آن آگاهی ندارند. مهمترین آگاهیهای راهنما عبارتند از:

الف: شماره بازیابی: شماره موقت، شماره (های) ثبت پیشین، شماره کنونی، شماره رده‌بندی و غیره.

ب: آگاهیهای تهیه:

از کجا تهیه شده؟

در چه مجموعه‌ای (یا مجموعه‌هایی) وجود داشته؟

همراه چه کتب و اسناد دیگری به کتابخانه یا موزه فروخته شده؟

نام فروشنده و دلال؟

قیمت خرید (نسخه و مجموعه)؟

تاریخ خرید؟

شهر تهیه نسخه؟

آیا میکروفیلم یا سی دی از آن تهیه شده است؟

این بخش به دلایل گوناگون، ناپیداترین بخش فهرست نویسی نسخه‌های خطی است. اگر کتابخانه‌ها و موزه‌ها از ثبت این آگاهیها در کار برگه فهرست نگاری، فهرست نسخ خطی و اسناد، و کاتالوگها معذورند، دست‌کم در دفتر یا کار برگه پیوسته به نسخه خطی آن را ثبت کنند. استاد ایرج افشار در نوشته‌ای (بخارا، ش ۲۶، ص ۸۳) اهمیت این بخش را گوشزد کرده است.

در تأکید بر اهمیت این موضوع، که تقریباً در همه فهرستها فراموش شده است، بگویم که هر کتاب و نسخه‌ای دو هویت دارد:

هویت فردی (شناخت نسخه از آن‌رو که نسخه‌ای خطی است)

هویت جمعی (شناخت مجموعه‌ای که کتاب در آن قرار گرفته است)

شخصیت گردآورنده و انتخاب‌کننده نسخه، نقش مهمی در کنار هم قرار گرفتن یک

مجموعه دارد. معمولاً علایق و سلیق فرد در آثار او به چشم می‌خورد. گاه بخش‌های

خالی هر فهرست را می‌توان در دیگر کتابهای آن مجموعه یافت. ممکن است فروشنده حرفه‌ای یا دلال، نظمی در فراهم‌آوری نسخه‌ها نداشته باشد، اما توجه به این موضوع سودهای فراوان دارد. فرض کنید در نسخه‌ای این یادداشت آمده که «این کتاب را همراه چند کتاب دیگر (فرض کنید نام آن کتابها را نیز آورده باشد) در فلان روز، یا در فلان شهر، یا از فلان کس، یا به فلان طریق و یا فلان قیمت خریدم» (که در نسخه‌ها نمونه آن را دیده‌ام)، در کمتر فهرستی این آگاهیها به هم ربط می‌یابد و در فهرست نویسی آن دیگر کتابها، به کار گرفته می‌شود. حتی در فهرست نویسی مجموعه‌ها نیز هویت جمعی نسخه‌ها مورد توجه نمی‌گیرد، مگر آنکه همگی به یک نفر تعلق دارند. در اینجا تذکری که باید داد و همه جا به کار برد «ثبت استنباطات فهرست نگار» است. هرگونه استنباط فهرست نگار که سند قابل ذکری درباره آن ندارد، نباید از ثبت دور افتد و باید به صورت توضیح یا در میان دو گوشه [] به آگاهی خواننده برسد. به دلیل آنکه احتمالاً فهرست نگار بیشتر زمان ممکن دسترسی به نسخه را دارد، نباید هیچ نکته‌ای را دور از توجه قرار دهد.

۲. آگاهی‌های کتاب‌شناسی

این بخش مهم‌ترین، و گاه تنها بخش فهرست نویسی بوده و هست. هرچه به زمان حاضر نزدیکتر می‌شویم از حجم آن در فهرست نویسی کاسته شده و به بخشهای دیگر، به ویژه نسخه‌شناسی افزوده گردیده و می‌گردد. با شناسایی هرچه بیشتر متون، نویسندگان، کاتبان، و انتشار هرچه بیشتر فهرستها، نمایه‌ها، کتاب‌شناسی‌ها، اهمیت بخش کتاب‌شناسی کاهش می‌یابد و تنها برای کتابهای شناسایی نشده پیش از این، مهم است. از نظر من این بخش را باید چهارمین و نه دومین بخش فهرست نویسی مورد بحث دانست. اما همانگونه که در ادامه نوشته ملاحظه خواهد شد، ما این بخش را از چهارم به دوم می‌آوریم تا بتوانیم بخش سوم (انجامه) را که از سویی ادامه کتاب‌شناسی است و از سویی ماهیت نسخه‌شناسی دارد، بین کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی جای دهیم. در واقع نسخه‌شناسی که درباره جسم کتاب بحث می‌کند بر کتاب‌شناسی که محتوای کتاب را بررسی می‌کند اولویت دارد. آگاهیهای کتاب‌شناسی به دو قسم است:
الف: آگاهیهای کتاب‌شناسانه:

نام کتاب، نامهای دیگر، نام در منابع دیگر، محل قرار داشتن نام کتاب (روی جلد، روی عطف، روی لبه کتاب، داخل کتاب، صفحه آغازین، صفحه عنوان، داخل متن، انجامه، یادداشت مالک، افزوده بعدی و غیره)

نام نویسنده، نامهای دیگر، نام در منابع دیگر، محل قرار داشتن نام نویسنده (روی جلد، روی عطف، روی لبه کتاب، داخل کتاب، صفحه آغازین، صفحه عنوان، داخل متن، انجامه، یادداشت مالک، افزوده بعدی و غیره)

موضوع کتاب: تألیف، ترجمه، شرح، تصحیح، ردیه، تکمله، ذیل و غیره.
ب: آگاهیهای متن شناسانه: که مهمترین بخش فهرست نویسی کنونی را شامل می شود.

پیش از موضوع کتاب: حمد خداوند، سبب نگارش، نام کتاب، سبب نامگذاری، اهداء به...
متن کتاب:

آغاز (چند کلمه یا جمله آغازین)، آغاز موجود.
تقسیمات (پیشگفتار، مقدمه، فصلها، بابها، مؤخره).
انجام (چند کلمه یا جمله انجامین)، انجام موجود پس از متن کتاب: شکرگزاری.

۳. آگاهیهای انجامه شناسی

این بخش گزارش کار انجام کتاب است و پیشتر چندان جدی گرفته نمی شد، اما اخیراً و به ویژه به همت استاد ایرج افشار نقش مهمی در فهرست نویسی یافته است. این بخش شامل مباحثی مانند مباحث زیر می گردد:

الف: نام کتاب، نام شارح، نام مترجم، نام مژدی الیه، نام سفارش دهنده.

ب: زمان کتابت (ساعت، اجزاء روز، روز هفته، روز ماه، سال، نوع گاه شماری).

پ: سرعت کتابت (زمان آغاز و انجام کار، ساعات کار، حالت نویسنده در نگارش).

ت: محل کتابت (شهر، مدرسه، مسجد، در راه و غیره).

ث: نسخه اساس، مقابله با نسخه های دیگر.

ج: شکل هندسی انجامه (مربع، مستطیل، لوزی، مثلث، نیم دایره، نیم لوزی،

نامتقارن و غیره)

درباره جزئیات موجود در انجامه‌ها به مقاله استاد ایرج افشار مراجعه شود.^۵ همانگونه که بیشتر گفته شد، انجامه بیش از آنکه ماهیت کتاب شناسانه داشته باشد ماهیت نسخه شناسانه دارد، اما اگر نسخه شناسی را توصیف جسم و ماده کتاب و نوشته بدانیم (که ظاهراً پذیرفته شده) انجامه به دلیل آنکه درباره ماده کتاب بحث نمی‌کند نمی‌تواند در بخش نسخه شناسی قرار گیرد. و ما به دلیل اهمیت فراوان انجامه، آن را بخشی مستقل دانسته و بین بخشهای کتاب شناسی و نسخه شناسی قرار داده‌ایم. ناگفته نگذاریم که برخی از آگاهیهای دیگر، گاه در این بخش نیز دیده می‌شود.

۴. آگاهیهای نسخه شناسی

این بخش همه ویژگیهای جسمی، ظاهری، و عارضی نسخه را دربر می‌گیرد و تقریباً ربطی به موضوع کتاب ندارد. این ویژگیها از بیرون به درون، از کل به جزء، و از ذات پی گرفته می‌شود.

الف: جلد (رو، پشت، عطف، طبله، ...)

(داخل جلد، بدرقه، شیرازه، نخ، ...)

(جنس تو و روی جلد، رنگ،^۶ اندازه،^۷ تزئینات، ...)

(آسیبها، فرسودگی، آب خوردگی، موریانه خوردگی، مرمت شدگی، ...)

ب: کراسه (تعداد، ترکیب برگها، ...)

پ: کاغذ (از آغاز به انجام)

(جنس، رنگ، اندازه، تزئینات، ...)

(آسیبها، فرسودگی، آب خوردگی، موریانه خوردگی، مرمت شدگی، ...)

(واترمارک، مهر برجسته، ...)

ت: کراسه شماری، برگ شماری، صفحه شماری، سطر شماری، رکابه (راده،

پاورق، ...)

ث: سطر (تعداد، اندازه، ...)

ج: مرکب (جنس، رنگ، ...)

چ: رنگهای دیگر (طلا، رنگهای ترکیبی، گیاهی، معدنی، شیمیایی)

ح: قلم‌ها.

خ: خط‌ها.

د: تزئینات (سرلوح، شمسه، جداول، ...)

ذ: تصاویر (مجالس، پیکره انسان و حیوان، بروج فلکی، ...)

ر: مهرها (شکل، اندازه، رنگ، نقش، تاریخ، محل استقرار، ...)

ز: اثر پرگار، اثر مسطر، اثر مقراض.

اما اینکه گفتیم آگاهیهای نسخه‌شناسی «تقریباً ربطی به موضوع کتاب ندارد» از آن جهت است که بعضی افزوده‌های نسخه‌شناسانه به نوع خاصی از کتاب تعلق می‌گیرد مثلاً:

مجالس: که مناسب کتابهای داستانی و رزمی است.

شمسه و تذهیب: که مناسب کتابهای آسمانی و هنری است.

خط نسخ و ثلث: که مناسب کتابهای دینی است.

۵. بیرون از متن (EX Libris)

این بخش که تاکنون مورد غفلت و بی‌توجهی فهرست نگاران ما قرار گرفته، شامل همه افزوده‌های پس از خاتمه کتابت است. این افزوده‌ها، ربطی به متن کتاب ندارد، اما بخشی از آنها به بخش‌های بالاتر باز می‌گردد و شاید در همان بخش ثبت شود؛ البته در بخش بیرون از متن نیز باید ذکر گردد:

الف: توضیحات مالک درباره چگونگی تهیه (فروشنده، محل خرید، قیمت، مهر مالک، مهر کتابخانه مالک، مهر عرض، مهر اجازه خروج، وقفنامه، ...)
(این قسمت می‌تواند در بخش اطلاعات راهنما نیز قرار گیرد، هر چند اولویت در اینجاست)

ب: نشانه‌های صحاف (مهر، نام، برچسب، مهر برجسته بر جلد، کتابه، ...)
(این قسمت می‌تواند در بخش آگاهیهای نسخه‌شناسی نیز قرار گیرد، هر چند اولویت در اینجاست)

پ: یادداشتهایی بر کتاب (توضیح، شرح، ترجمه، تعریض، تکمله، تصحیح، ...) که مکمل متن اصلی کتاب باشد.
(این قسمت می‌تواند حد بخش آگاهی‌های کتاب‌شناسی نیز قرار گیرد، هر چند اولویت اینجاست)

ت: هر گونه یادداشت (خرید و فروش، تاریخ تولد و وفات افراد، وقایع تاریخی، فرمول‌های طبی و شیمیایی، مزد کتابت و مقابله،...)
ث: همهٔ افزوده‌های دیگر که در بخش‌های دیگر جای نگیرد.
استاد ایرج افشار عنوان «برافزوده‌ها» را انتخاب کرده، امام تمام محتویات آن با این بخش همخوانی ندارد.

۶. کتابشناسی فهرست

این بخش نیز اغلب مورد غفلت و بی‌توجهی قرار می‌گیرد، اما به نظر نگارنده بسیار مهم است. خوانندهٔ فهرست نگاری، باید از سابقهٔ پژوهش و فهرست نویسی کتاب مورد فهرست نویسی آگاه شود که دارای چند زیر بخش است:
الف: نسخه‌های دیگر موجود در کتابخانه‌های ایران و جهان، نشانی آنها.
ب: گزیده‌ها، ترجمه‌ها، شرح‌ها، گزارش‌های دیگر و نشانی آنها.
پ: تصحیح‌ها و نشانی آنها.
ت: چاپ‌ها: ترجمه‌ها، زبانها، منتخب‌ها و نشانی آنها.
ج: مقالات و کتاب‌ها دربارهٔ نسخه، نویسنده، کاتب و نشانی آنها.
دربارهٔ اهمیت این روش فهرست‌نگاری و میزان علمی بودن آن، داوری را به کارشناسان و متخصصان نسخه‌های خطی می‌سپارم. اما به جرئت می‌گویم که فهرست‌نگاری سنتی ما تنها به بخش سوم (آگاهی‌های کتاب‌شناسی) توجه داشته و فهرست‌نگاران عالی ما به بخش دوم (نسخه‌شناسی) نیز نظر داشته‌اند که مهدی بیانی در قلّهٔ آن قرار دارد. اما بجز استاد ایرج افشار که نگاهی به انجامه، و نیم نگاهی به هویت بخش‌های یکم (آگاهی‌های راهنما) و چهارم (بیرون از متن) داشته است، هیچ نشانی از استقلال شش بخش بالا در فهرست‌های منتشره، تاکنون ندیده‌ام و امیدوارم مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «تجربه‌های کاری» در حدیث عشق: احمد منزوی، به کوشش نادر مطلبی کاشانی و سید محمدحسین مرعشی،

- تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۷۴.
۲. ممکن است کتابخانه‌ای را نشان دهند که بیش از یک بار فهرست شده است. درباره آن کتابخانه‌ها باید گفت که یا فهرستهای پیشین غلط و ناقص بوده که دوباره نیازمند فهرست نویسی بوده یا قرار است کسی با دوباره فهرست کردن آنها به آب و نانی برسد که خدا خیرشان دهد.
۳. همانجا، ص ۳۶.
۴. در این مورد «فهرست ناتمام» دکتر مهدی بیانی، به حق «فهرستی ناتمام» است، زیرا هیچ کس راه بیانی در ورود به کتاب را ادامه نداد.
۵. نامه بهارستان، سال ۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۱. و نیز بنگرید به نوشته این نگارنده «درباره مقالات انجامه‌ای» نامه بهارستان، سال ۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
۶. در اینجا و در دیگر جاها بر اساس دستگاه استاندارد بین‌المللی رنگ Din.
۷. در اینجا و در دیگر جاها بر اساس دستگاه متریک و ترجیحاً میلی‌متر.

